

<div><div>پایگاه اطلاع رسانی</div></div> <p>پایگاه اطلاع رسانی</p>	
سازمان	
مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز	
مدیر مسئول:	صاحب امتیاز:
مازیا ر هوشمند	
سردبیر:	
علی هوشمند	
مدیر گرافیک:	
فاطمه فیصلی	
صفحه آرا:	
محمد عباسی	
نشانی دفتر مرکزی: بوشهر – خیابان طالقانی – بعد از پمپ بنزین وزیری – ساختمان شاتل – طبقه اول – واحد ۲	
تلفن:	۰۹۱۷۶۶۰۰۵۲
نمابر:	
۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱	
پست الکترونیکی:	
payameasalooye@gmail.com	
p.asalooye@gmail.com	
وبسایت: payameasalooye.ir	
چاپ: کارگر	
همکاران ما	
در این نشریه:	
زهره قدرت‌نما،	
سیحان قنبریور،	
عبدالصمد شهرباری	
و ...	
رتبه ۱	
امتیاز ۴۳/۲	

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام عسلیویه را در پورتال payameasalooye.ir بخوانید

شماره ۲۴۶۲ یکشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۳

پیشخوان

به کوشش پژوهشگر جنوبی؛

کتابی درباره شاعر ناشناخته

گناوه‌ای منتشر شد

تازه‌ترین اثر مکتوب محمد مظفری، کارگردان تئاتر، نویسنده و روزنامه‌نگار جنوبی درباره شاعر ناشناخته گناوه‌ای با عنوان «ناقص حیات داوودی» به همت انتشارات دریانورد منتشر شد. نویسنده «ناقص حیات‌داوودی» در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، درباره محتوای این اثر گفت: این کتاب در خصوص شعر و زندگی شاعر گناوه‌ای، کربلایی محمدقلی شاعری معروف به «ناقص حیات داوودی» است که متاسفانه به خوبی در حوزه ادبیات جنوب کشور و استان بوشهر معرفی نشده است.

محمد مظفری افزود: کربلایی محمدقلی شاعری در قالب‌های مختلف شعری تبحر داشته، ولی منظومه بلنداو یکی از حماسه‌های برابران زمین است که به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شده و مردم شهرستان گناوه آن را بسیار دوست دارند. وی با بیان اینکه در سال‌های گذشته برای معرفی این شاعر صاحب سبک اتفاق خاصی صورت نگرفته است، تصریح کرد: در این اثر ضمن معرفی زندگی اجتماعی و شخصی ناقص به ویژگی‌های شعری او نیز پرداخته‌ام.

این نویسنده جنوبی با بیان اینکه متاسفانه بسیاری از اشعار او در گذر تاریخ از بین رفته، افزود: سعی کردیم با کمک بزرگان منطقه حیات داوود و شهرستان گناوه تعداد زیادی از اشعار این شاعر صاحب‌ذوق بازپایی و به ثبت برسد. مظفری با بیان اینکه ناقص یکی از پیشگامان حماسه‌سرایی و جنگ‌نامه‌نویسی و کلاسیک‌گویی در شعر استان بوشهر بوده است، گفت: در این کتاب سعی شده از شاعران پیرو این شاعر بزرگ هم یادی شود. افزون بر این، در قسمت دوم کتاب به زندگی و شعر ملاسراج دیگر شاعر اهل روستای محمدصالحی نیزپرداخته شده است.

به گزارش ایبنا؛ کتاب «ناقص حیات داوودی» تألیف محمد مظفری به همت انتشارات دریانورد در ۲۵۶ صفحه بهار ۱۴۰۳ راهی بازار کتاب شده است. این اثر قرار است در اردیبهشت امسال در همایش بزرگداشت «ناقص حیات داوودی» در روستای محمدصالحی شهرستان گناوه رونمایی شود.

آگهی

ادبیات و کتاب



همیشه با شناخت زبان شاعر، هوشمندی مخاطب، و درک نمادها و مصداق‌های جهان درون و بیرون، می‌توان به درون‌مایه هر اثر راه پیدا کرد.

همیشه با کارکردهای حجمی استعاره که هسته اصلی در آفرینش و خلق فضای جدید است می‌توان رویکردی تازه به واقعیت زبان داد.
معنای پدیداری فرازبانی که در تمایز با نشانه‌ها حضور خود را برجسته می‌کند و واقعیت غیزبانی است، گوهر شعر است که ارزش‌های مستقل زبانی را در شعر مطرح می‌سازد.
کشف خلاصیت و تفکر شاعرانه تاویل متن را آسان و سمت مناسبات تازه را فراهم می‌کند تا در متن، رویت‌های دیگری از تبلوریا فتگی‌های متن را به بیرون خود نشان دهد.

عادت به ابداع روایت و تمهیداتی برای رفتن به سمت فراروایت نکته تازه‌ای است در شعر که علیه زبان تحریک می‌شود.
شعری که از نظر زبان سرشار از ابهام آسان است و ایجازی که ایجاد پرسپکتیو در شعر می‌کند و شاعر با استفاده از امکانات بیان، سبک و قدرت زبانی خود را به ژرف‌ساختی زیبا هدایت می‌کند.
شروع بحث اسپاسمانتالیسم شروع از رسم و یا فاصله است یعنی بررسی مبحث ترسیم ابعاد مابین دو چیز، دو واحد و یا دوحرف دو کلمه و یا چند چیز و... است. ترکیب هر چیز با چیز دیگر را در حجم‌گرایی باید با رسم و گرافیک آن و یا پرسپکتیوی که ابعاد فاصله مابین آن دو را به اجرا درمی‌آورد به نمایش گذاشت که به قول خود رویایی:

«در فاصله چیزی بگذار / بین من و تو تا بینی باشد / و بین / تپیدن‌های تو یعنی / در فاصله‌های بین من و تو /
معنای تپش بگذار / بگذار اگر می‌گذری / بگذار...»

مثلا در شعر «اسلام‌پور» این رسم به شکل دیگری اتفاق می‌افتد.
وقتی که می‌گفت:«افتاد / بی که فاصله گرفته باشد»

و یا،

«اگر به یک حلقه ببندی شی / منتهای اندیشه‌ات / زنجیر خواهد بود»
و یا در شعر بهرام اردبیلی رسم ابعاد چنین فیکوری به خود می‌گیرد «شمشادی که بلند نیست / مطول است»

و یا

«افجار کراهی که با دهان باد کرده‌ایم / زمان اندکی می‌خواهد، / نوک سوزنی»

در حجم‌گرایی فاصله‌ها و توانایی در رسم نمودار آنها همیشه حرف اصلی را می‌زنند همان‌گونه که در سورئالیسم «تخیل»، همان‌گونه که در سمبولیسم «ماد»،

در حجم‌گرایی قهرمان در به‌کارگیری رنگ‌ها و کلمات و اصوات و انگاره‌ها، ترسیم فاصله آنها با تمام ابعاد آن است؛ به عنوان مثال فاصله بین دو همشهری با فاصله بین دو هم‌اتاقی و فاصله بین دو هم‌میهنی و در همه احوال فاصله بین دو یا چند کلمه در موقعیت‌های متفاوت همواره تولید فضاها و معانی متفاوت کرده و منجر به پدید آمدن یک و یا چند اسپاسمان می‌کند...

راحت‌تر اگر بگویم کسی که نتواند در حجم‌گرایی تولید یک اسپاسمان کند حجم‌گرا نیست. حالا می‌خواهد خود بدلاله رویایی باشد یا غیر رویایی.

حالا حتما خوانندگان می‌پرسند چرا سورئالیسم و سمبولیسم و... مکتب هستند اما اسپاسمانتالیسم مکتب نیست، بلکه یک روش یا یک شیوه است؛ باید بگویم تمام یادداشت‌هایی که در اسپاسمانتالیسم ذکر شده پیرامون طرح فرضی از معنای «اپوچه» است که هوسرل در شرح پدیدارشناسی خود بر روی آن تأکید و تفسیرهای خود را پیرامون آن یادداشت می‌کند. به تعلیق درآوردن و یا در پرانتز بردن هرگونه پیش‌فرض و طفره رفتن از به‌کارگیری معانی و فضاهایی را که قبلا برای شناخت پدیدار منجر به تولید یک ابر سوژه و اینترسوژه شده است هوسرل «اپوچه» می‌نامد که نویسندگان بیابیه حجم‌گرایی حذف و یا در پرانتز بردن این پیش‌فرض را «حذف جای پاه ترجمه کرده‌اند غافل از اینکه اعتقاد به خود سوژه در طول زمان بالاخره تولید یک سوژه‌گنده و آنان را امیر خود خواهد کرد.

بحثی درباره حجم‌گرایی نوین

یعنی اینکه اگر ما به چیزی به نام سوژه در بحث و نظر و عمل اعتقاد داشته باشیم اپوچه کردن و یا به تعلیق درآوردن و در پرانتز بودن هرگونه پیش‌فرض در طول زمان بالاخره از فرض‌های بدون پیش‌فرض قبلی خود خالی، و با تولید پیش‌فرض‌های جدید ابر سوژه دوباره ما را محاصره خواهد کرد؛ برای همین اکثر شاعران شعر حجم با پیروی از این ادعای هوسرل که رویایی و دوستان آن را در بیابیه مدون کرده چند سالی با چند شعر و چند کتاب خود را مطرح کرده و بعد خاموش می‌شدند. یعنی یا باید به حرف‌های قبلی خود وفادار بوده و خاموش می‌شدند و یا مانند خود هوسرل به روی خود نیاورده و حرف‌های پر از پیش‌فرض خود را با ادعای بدون پیش‌فرض مطرح کنند که در این بین خیلی‌ها خاموش شدند و خیلی‌ها هم بهتر بود خاموش می‌شدند که نشدند. «نئواسپاسمانتالیسم» پیشنهادی بود که چندین سال پیش از طرف «علی مومنی» به بدلاله رویایی شد که ایشان نپذیرفت ولی به دلیل اعتماد کامل به ایشان به‌دقت گوش می‌داد ولی در عمل علاوه بر نپذیرفتن، فنومنولوژی شعر حجم را که همان پافشاری بر اندیشه‌های هوسرلی بود منتشر کرد. بر همین روال هم شاعران شعر حجم بدون آنکه بدانند دشمن اصلی آنها اعتقاد داشتن به سوژکتیویته افلاطونی است که متافیزیک در دامن آنها گذاشته است یا یکی یکی خاموش می‌شدند و یا در عمل رفته رفته از مکتب شعر حجم به سرپرستی بدلاله رویایی دم می‌زدند...

حال «نئواسپاسمانتالیسم» چیست؟ و چرا باید از اسپاسمانتالیسم گذر کرد؟!
علی مومنی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «بنده مقدمات خواندن درس‌گفتارهای کتاب هستنی و زمان را با انتشار فایل‌های صوتی دکتر رامین جانبگلو و بعد کتاب سراغ‌از اثر هنری را با گوش دادن به فایل‌های صوتی دکتر محمود خاتمی و بعد با خواندن مقالات و کتاب‌های هایدگر به خصوص مقاله مبسوط ذات حقیقت، ذات آزادی، متوجه تذکر اصلی ایشان به متافیزیک رایج در فلسفه قاره و به دنبال آن دور ریختن سوژکتیویته و ابژکتیویته و جداکردن مباحث انتیک در ذهن و عمل از فلسفه و عالم محصور در آن به خصوص حجم‌گرایی مطرح‌شده در ایران شدم.در طفره رفتن هایدگر از بحث متدولوژی متوجه ایرادهای بیابیه و همچنین اشتباهی که شاعران شعر حجم در اثر شخوردگی‌های هوسرل در دام متافیزیک متوجه آنان بود یک به یک در ذهن خود مرور کرده و به این نتیجه رسیدم که

«اول بود که ماهی سوی آب می‌رفت

این ساعت هر کجا ماهی برود آب می‌رود.»
نئواسپاسمانتالیسم دیگر به دنبال گروه نمی‌گردد. مکتب نبوده و آدرس‌های پرت مکتب‌خانه را نه از صاحبش و نه از هیچ‌کس دیگر نمی‌پذیرد. در راهرو خود رهبر خود است و از مدت استقبال می‌کند، و متدولوژی را زهر می‌داند. در پرتاب شدنش به این جهان بلافاصله نسبت به موقعیت جدید نسبت‌های جدیدتر برقرار و بازتعریف می‌شود. هیچ زبان و هیچ روش مسلطی را به نام خود به رسمیت نمی‌شناسد. از تمامی ابعاد گذشته و با تمامی ابعاد زندگی می‌کند.تاریخ را نه پیش‌فرض و نه درس عبرت می‌داند فقط با لایه‌برداری از آن با ریشه‌های خود ملاقات می‌کند. و در آخر به نقل از شمس:

«خلاقیت همچون اعداد انگوزند

عدد از روی صورت است

چون بیفشاری در کاسه، آنجا هیچ عدد هست...»

طبیعتا برای دستیابی به جوهر زبان نئواسپاسمانتالیسم، نخست باید شرایط خارجی کارکرد آن را از شرایط درونی‌اش بازشناخت و جدا کرد. درست بدین دلیل که بسیاری از مردم هنگامی که سخن از زبان می‌شود بیشتر به شرایط خارجی موجودیت آن می‌اندیشند: اینکه این زبان تازه، در چه محیط جغرافیایی و چه جامعه‌ای به‌کار می‌رود، به‌کاربردنگانش از چه نژادی هستند و گذشته تاریخی آنها چیست؟ سهم ملتی که با آن زبان سخن می‌گویند (به معنای دقیق‌تر شعر می‌نویسند) در تمدن و فرهنگ بشری چیست؟!این سوالات روزنامه‌ای و عامه‌پسند، در حد معمول اهمیت اندکی دارد و حتی در سرنوشت زبان موثر است ولی هیچ‌یک راهی در دستیابی به جوهر زبان در اختیار ما نمی‌گذارد، مثلا اگر زبان پارسی از فردا در یک کشور آفریقایی به کار رود شرایط خارجی کاربرد آن به کلی عوض می‌شود و تغییر می‌کند ولی جوهر زبانی آن دست نخورده باقی می‌ماند.درست است که زبان جنبه اجتماعی دارد و در ذهن افراد یک جامعه واحد به نحو یکسانی به ودیعه گذاشته شده اما برای تحقق عملی آن از طرف هر فردی نیاز به «گفتار» یا parole دارد که به آن جنبه روانی (بیان مفاهیم ذهنی و درک آن)، زیستی (ایجاد آواهای گفتار) و فیزیکی (انتقال امواج صوتی به شنونده) می‌بخشد.

تماشا

والنتین جرجیوف



داستان خوانی

پشت این فرمون

«تاکسی‌سواری» ماجراجویی قشنگی است که خواننده را به دل خیابان‌های شهر می‌برد، با ماشینی که گاهی می‌شود آن را پیکان گوجه‌ای جوانان و گاهی هم سمند زرد قناری تداعی‌اش کرد که در هر صورت فرمانش به دست سروش صحت است و مسافرانش ما ایرانیان هستیم! «مردی که جلو نشسته بود گفت دو هفته دیگه عیده... دقیقاً دو هفته دیگه. مرد گفت ایشالا... ما هفته اول می‌خوایم بریم جنوب... امسال آن‌قدر همه‌چی گرون شده که فکر نکنم شلوغ بشه. زن گفت هفته اول همیشه شلوغه... ما هفته دوم می‌ریم شمال. راننده ساکت بود. مرد از راننده پرسید شما عید چی‌کار می‌کنی؟ راننده گفت من هفته اول کار می‌کنم، هفته دوم هم کار می‌کنم. زن گفت آخی... عیالوارید؟ راننده گفت نه... تمام.»

بندی که گذشت داستانی از کتاب «تاکسی‌سواری» به نویسندگی هنرپیشه و فیلم‌نامه‌نویس اصفهانی است؛ مردی که بازی‌ها و قلم‌نوازی‌هایش جزئی جدانشدنی از خاطرات ما ایرانیان شده است. آن‌هم با سریال‌های محبوبی چون «ببخشید شما»، «زیر آسمان شهر»، «کوچه اقاکیا»، «شب‌های برره»، «برزنگاه» و ده‌ها کار دیگر تلویزیونی و سینمایی که شاید یکی از متفاوت‌ترین آنها در این سال‌ها برنامهٔ «کتاب‌باز» باشد. «کتاب‌باز» که با اجرای گیرا و پرچادبۀ این هنرمند چه محبوبیتی بین ما ایرانیان یافت، آن‌هم در زمانه‌ای که همه می‌خواهند بگویند ایرانی کتاب نمی‌خواند! «تاکسی‌سواری» اولین مجموعه‌داستان و به‌طورکلی اولین کتابی است که از این همشهری ما، هم‌وطن ما، یعنی سروش صحت، منتشر شده است. صحت که اصالت نائینی دارد و سال‌ها در اصفهان پرقمص و خیال‌انگیز زیسته، داستان‌های این مجموعه را پیش‌تر به مدت ۱۶ سال و هر پنجشنبه منتشر کرده است.

حالا شماری از این داستان‌کا که در دنیای ادبیات به نام‌های دیگری چون «فلش‌فیکشن» یا «داستان لحظه» نیز شناخته می‌شوند، به کوشش نشر چشمه در تهران چاپ شده‌اند. این کتاب در واپسین روزهای سال ۱۴۰۲ شمسی در ۱۶۱ صفحه و با قیمت ۱۷۰هزار تومان به دنیای فرهنگی کشورمان آمد و هم‌اکنون با قیمتی کمتر و در نسخه‌های ای‌پاب و صوتی با صدای نافذ خود صحت نیز قابل خریدن است.

پیاده شدم، گریه کردم، رفتم

«تاکسی‌سواری» ماجراجویی قشنگی است که خواننده را به دل خیابان‌های شهر می‌برد، با ماشینی که گاهی می‌شود آن را پیکان گوجه‌ای جوانان و گاهی هم سمند زرد قناری تداعی‌اش کرد که در هر صورت فرمانش به دست سروش صحت است و مسافرانش ما ایرانیان هستیم! «تاکسی‌سواری» هم‌زمان که در مرارت و دشواری‌های زندگی راننده‌تاکسی‌ها می‌گوید، در نگاهی کلی‌تر سعی دارد تا دردهای اجتماعی مردم را بازتاب دهد.

صحت به دل سالیان دور و نزدیک ایرانمان سفر می‌کند و از بیکاری، فقر، گرانی و گرفتاری‌های اقتصادی‌مان می‌گوید. از آلودگی هوا و طبیعتی می‌نویسد که شاید خیلی از ما نادیده‌اش می‌گیریم. او راوی دعوها و بگومگوهایی است که دادگاه‌ها را پر کرده‌اند. و بعد اوج بیماری کرونا و غصه‌ها و ترس‌هایش را برایمان تصویر می‌کند. نویسندهٔ «تاکسی‌سواری» از مهاجرت مردم به چهارگوشۀ دنیا و ترک خانواده و کاشانه می‌نویسد. از فریادها و بوق‌های کرکننده، ترافیک و چراغ‌های اعصاب‌خردکن از رادیویی می‌نویسد که همیشه هم خوش‌خبر نیست. نمونه‌اش همان داستانی است که راننده‌اش برای مسافرها این‌طور تعریف می‌کند:

«موقع آزادی خرمشهر پشت فرمون بودم، تونل حکیم رو که زدند پشت فرمون بودم، پلاسکو

ایبنا